

مبانی هنرهای تجسمی

هنرهای تجسمی که به آن گاهی هنرهای بصری یا دیداری نیز گفته می شود آن گروه از هنرهای مبتنی بر طرح است که مشخصاً حس بینایی را به مخاطب قرار می دهد. هنرهایی چون نقاشی، خوشنویسی، مجسمه سازی، طراحی، عکاسی، گرافیک و ...

هنرهای تجسمی با هنرهای نمایشی شنیداری و کلامی و دیگر انواع هنر متفاوت است. هر چند این تقسیم بندی چندان محکم نیست. در حال حاضر در کاربرد کنونی هنرهای تجسمی شامل هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی است.

. عناصر و کیفیت نیروی بصری:

در هنرهای تجسمی به دو بخش کلی تقسیم می شود

۱- بخشی که به آنها به طور فیزیکی و ملموس سرو کار داریم که همان عناصر بصری محسوب می شوند مثل خط، سطح، رنگ، شکل، بافت، اندازه تیرگی و روشنی

۲- بخش دیگر کیفیات خاص بصری هستند که بیشتر حاصل تجربه و ممارست هنرمند در بکار بردن عناصر بصری می باشد از قبیل تعاون، تناسب، هماهنگی، کنتراست که به نیروهای بصری یک اثر تجسمی استحکام می بخشد.

عناصر بصری: نقطه: در هنرهای تجسمی وقتی از یک نقطه نام برده می شود منظور چیزی است که دارای تیرگی روشنی اندازه و گاهی جرم است و در عین حال ملموس و قابل دیدن است. از این نظر در ظاهر تشابهی بین آنچه مفهوم از نقطه با آنچه در ریاضیات به آن نقطه گفته می شود وجود ندارد. به کمک تراکم و تیرگی نقطه ها می توان سایه روشن ایجاد کرد. ترکیب نقاط با رنگهایی خاص در کنار یکدیگر می تواند ترکیبی که در چشم بیننده حاصل می شود را بوجود آورد

خط: وقتی تعدادی نقطه آن قدر نزدیک باشند که نتوان آن را تشخیص داد حس جهت و راستا پدید می آید و رشته نقاط تبدیل به عنصر بصری دیگری می شود به نام خط. خط را به صورت نقطه در حال حرکت و سیر حرکت نقطه نیز می شود. خط عنصر اصلی طراحی است. ترسیم خطوط پیرامونی یک شکل می تواند تصویر اشیا را به نمایش بگذارد. تراک و انبساط هاشورها حجم و سایه روشن را نشان می دهد

با ضخیم و نازک کردن خط در طراحی قسمت های سایه دار مشخص می شود. و حالت خطوط و جنسیت و بافت اشیاء را از لحاظ نرمی سختی و استحکام مشخص می کند.

.سطح: شکلی که دارای دو بعد (طول و عرض) باشد سطح می گویند.

در طبیعت و پیرامون ما سطوح و اشکال متنوع وجود دارد. سطح چیزها در طبیعت گاه به صورت هموار و گاه به صورت نا هموار و دارای بافت ها و نقش های مختلف است.

.تغییر و ابداع شکل : در هنرهای تجسمی با تغییراتی که در یک شکل ساده می توان به وجود آورد شکل های جدیدی ساخته می شود. هر یک از این شکل های جدید به نحوی می تواند در ذهن مخاطب تاثیر بگذارد.

.ترکیب: ایجاد یک ترکیب موفق هم در جلب توجه مخاطب و بیننده موثر است و هم در رساندن پیام بصری مورد نظر هنرمند به مخاطب. در واقع ترکیب عاملی است که با سامان بخشیدن موثر به چگونگی چیدمان و نظم عناصر بصری در یک فضا و کادر مشخص براساس ذهنیت هنرمند و روابط تجسمی سبب می شود تا مخاطبان اثر بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند.